

دکتر راجر گرین، اصلاحات تا به امروز، سخنرانی ۲۷ الهیات مدرن

راجر گرین و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر راجر گرین هستم در درس تاریخ کلیسا، «اصلاحات تا به امروز». «این جلسه ۲۷ درباره الهیات مدرن است.

خب، امروز نهم دسامبر است. ما در هشتم دسامبر با هم نبودیم. هشتم دسامبر ۱۸۵۴، کلیسای کاتولیک روم در هشتم دسامبر ۱۸۵۴ اعلامیه بسیار مهمی صادر کرد.

و آن چه می‌توانست باشد؟ ۱۸۵۴. این آموزه‌ی لقاح معصومانه‌ی مریم بود که در ۸ دسامبر ۱۸۵۴ اعلام شد. بنابراین دیروز سالگرد آن روز بود.

اما ما الان نهم دسامبر هستیم. به نظر نمی‌رسد که این امکان‌پذیر باشد. بسیار خب، بیایید دعا کنیم و بعد شروع می‌کنیم.

ای پدر آسمانی مهربان، ما با شکرگزاری به این دوره نگاه می‌کنیم. از تو به خاطر فرصت‌هایی که در اختیارمان قرار داده‌ای تا به یکدیگر آموزش دهیم و از یکدیگر بیاموزیم، سپاسگزاریم. از تو به خاطر کمکت به ما برای دیدن چشم‌انداز وسیع توسعه اندیشه مسیحی از دوران اصلاحات تا به امروز، سپاسگزاریم.

از شما به خاطر کمک و یاری رساندن به ما در این امر و کمک به ما برای شکل دادن به تفکر و الهیات خود در مورد آنچه که در چارچوب جامعه‌ای که به آن تعلق داریم، در چارچوب کلیسا، درست می‌دانیم، سپاسگزاریم و بنابراین، از این بابت سپاسگزاریم. از شما دانشجویان سپاسگزاریم و برای مداخله شما در زندگی آنها دعا می‌کنیم.

چند روز دیگر که امتحانات پایان ترم و جمع‌بندی مقالات است، شاید گروه‌های بحث یا ارائه‌هایی داشته باشند که باید انجام دهند. دعا می‌کنیم که به آنها قدرت قلب، ذهن، جسم و روح بیشتری بدهید تا کاری را که برای تکمیل دوره باید انجام شود، انجام دهند و باشد که به شیوه‌ای خوب، به شیوه‌ای که هم برای شما و هم برای خودمان افتخارآفرین باشد، به پایان برسانند. بنابراین با شکرگزاری در قلب‌هایمان برای این روز و برای هفته‌ای که در پیش است و برای تمام کارهایی که باید انجام شود، دعا می‌کنیم که بتوانیم این کار را مانند شما انجام دهیم و این کارها را با خوشحالی به نام مسیح، پروردگارمان، دعا می‌کنیم. آمین.

اوه، و ضمناً، برای اولین بار، کالج گوردون قرار است ارزیابی دوره‌ها را به صورت الکترونیکی انجام دهد. بنابراین هیچ ارزیابی دوره کتبی وجود نخواهد داشت، بنابراین شما اطلاعیه‌هایی در مورد آن خواهید دید نمی‌دانم چطور قرار است درست شوند. اطلاعیه‌ها قرار است درست به دست شما عزیزان برسند، و سپس چگونه آن را پر کنید و از این قبیل چیزها. خب، من الان صفحه ۱۵ برنامه درسی هستم، و خب، وقت اعتراف واقعیه.

ماهیت الهیات مسیحی امروز، را انجام دهم، و درست به E3 رفتم بدون اینکه F به E من به سرعت از رفتم؛ مسیحیت به خود در ادیان F آخرین باری که قرار بود برای سخنرانی‌ها برویم، رفتم. من مستقیماً به تمام می‌کنم، و سپس برمی‌گردم، و شاید این به هر حال راه خوبی برای پایان F دیگر نگاه می‌کند. بنابراین من

دادن به دوره باشد، ماهیت الهیات مسیحی امروز، ما امروز کجا هستیم؟ با این حال، مسیحیت به خود در ادیان دیگر نگاه می‌کند. من می‌خواهم فقط دو کار را به سرعت در اینجا انجام دهم.

اول، گفتگوی پروتستان‌تیسیم و کاتولیک رومی و ما قبلاً به نگرش‌های تاریخی کاتولیک‌های رومی و پروتستان‌ها اشاره کردیم، همانطور که آنها هنگام شروع گفتگو با یکدیگر به یکدیگر نگاه می‌کنند، و در آن، به مشکلاتی که پروتستان‌ها با کاتولیک‌های رومی داشته‌اند اشاره کردیم، احتمالاً شما آن را در یادداشت‌های خود دارید درست است؟ سپس، ما همچنین به مشکلی که کاتولیک‌های رومی با پروتستان‌ها دارند اشاره کردیم، و شما احتمالاً آن را در یادداشت‌های خود دارید زیرا فکر می‌کنم جایی است که ما چند روز پیش وقتی متوقف شدیم، متوقف شدیم. بنابراین، فکر می‌کنم جایی بود که ما بودیم. اما فقط برای تکرار، زیرا مدتی است که به این موضوع نپرداخته‌ایم زیرا در گروه‌های بحث و گفتگو و همه چیز بوده‌ایم، اما به نوعی، همانطور که کاتولیک‌های رومی و پروتستان‌ها به یکدیگر نگاه کرده‌اند، سؤالاتی مطرح شده است مانند اینکه مرجعیت کتاب مقدس در مقایسه با مرجعیت سنت و کتاب مقدس برای کلیسای کاتولیک رومی چیست؟ جایگاه مریم در پروتستان‌تیسیم در مقایسه با جایگاه مریم در کلیسای کاتولیک رومی چیست؟ جایگاه پاپ در پروتستان‌تیسیم در مقایسه با جایگاه پاپ چیست، یا تفکر پاپ در پروتستان‌تیسیم در مقایسه با تفکر پاپ در کلیسای کاتولیک رومی چیست؟ و بنابراین می‌توانید در مورد کتاب مقدس ادامه دهید؟ منظورم این است که پروتستان‌ها چگونه به کتاب مقدس نگاه می‌کنند؟ کاتولیک‌های رومی چگونه به کتاب مقدس نگاه می‌کنند؟ می‌توانید همین‌طور ادامه دهید و ادامه دهید.

بنابراین، این نوع اختلاف نظرها بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌های رومی وجود داشته که آنها مجبور بوده‌اند با آنها کنار بیایند. ما این نوع نگرش تاریخی را که در طول سال‌ها شکل گرفته است، نامیده‌ایم. اکنون، به تغییرات تاریخی و اینکه چه تغییرات تاریخی رخ داده است، می‌پردازیم.

من قصد دارم به چهار تغییر عمده که در شکل‌دهی به گفتگوی کاتولیک رومی و پروتستان رخ داده است اشاره کنم. اولین مورد که شما از قبل می‌دانید واتیکان دوم است. واتیکان دوم از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵، واتیکان دوم کلیسای کاتولیک رومی را به طور اساسی تغییر داد.

و ما قبلاً در مورد واتیکان دوم با پاپ ژان بیست و سوم سخنرانی کرده‌ایم. من و روث پنجشنبه شب در یک سخنرانی فوق‌العاده از جیم رودین بودیم. و جیم رودین در دانشگاه در مورد یهودیت صحبت می‌کرد.

اما او آن شب درباره واتیکان دوم صحبت کرد. سوالی درباره واتیکان دوم پیش آمد. و او درباره واتیکان دوم صحبت کرد.

در واقع، او همان چیزی را که من در سخنرانی‌هایم، ذکر کرد، اینکه پاپ ژان بیست و سوم به عنوان پاپ منصوب شد تا چیزی باشد که آنها به آن پاپ موقت می‌گفتند. و جیم رودین به این موضوع اشاره کرد. ما یک پاپ واقعی نداریم، بنابراین این شخص را به این سمت منصوب می‌کنیم و او کار زیادی انجام نخواهد داد.

و بعد او خواهد مرد، و بعد ما یک پاپ واقعی خواهیم داشت. و او واتیکان دوم را فراخواند، و کل کلیسای کاتولیک رومی منفجر شد. بنابراین، واتیکان دوم مطمئناً یک تغییر تاریخی بود.

بخشی از کاری که واتیکان دوم انجام داد، نزدیک‌تر کردن کلیسای کاتولیک رومی به پروتستان‌تیسیم بود. این بسیار قابل توجه بود. این یک تغییر تاریخی است.

دومین تغییر تاریخی که در چند هفته گذشته زیاد در مورد آن صحبت کردیم، انتخاب جان اف کندی به ریاست جمهوری بود. از نظر کاتولیک رومی در سراسر جهان و اینکه پروتستان‌ها چگونه به کاتولیک رومی نگاه

می‌کردند، انتخاب او به عنوان اولین رئیس جمهور کاتولیک رومی ایالات متحده، اوضاع را به طرز چشمگیری تغییر داد و به نوعی، درک بهتری از ماهیت کاتولیک رومی ایجاد کرد. تغییر سوم چیزی است که شخصی آن را وحدت‌گرایی در سنگرها نامید.

حال، وحدت‌گرایی در سنگر چیست؟ وحدت‌گرایی در سنگر، یافتن ارزش‌های اخلاقی و معنوی مشترک است. شکی نیست که یکی از اکتشافاتی که پروتستان‌ها با کاتولیک‌های رومی انجام داده‌اند این است که ما از نظر اخلاقی و معنوی اشتراکات زیادی با کاتولیک‌های رومی داریم. و این وحدت‌گرایی در سنگر، کاتولیک‌های رومی و پروتستان‌ها و ارتدکس‌ها هستند که در بسیاری از موارد توانسته‌اند در کنار هم بایستند و از یکدیگر در مسائل اخلاقی و معنوی حمایت متقابل کنند.

بنابراین، مسائلی مانند ارزش ازدواج و خانواده، برای مثال، کاتولیک‌های رومی، پروتستان‌ها و ارتدکس‌ها در مورد ارزش‌های ازدواج و خانواده، بسیاری از ارزش‌ها را به اشتراک می‌گذارند. این نوعی وحدت‌گرایی در این زمینه است.

امروزه، به یک معنا، ارزش‌های ازدواج و خانواده از بسیاری جهات مورد حمله‌ی شدید قرار گرفته‌اند. با این حال، کاتولیک‌های رومی، پروتستان‌ها و ارتدکس‌های شرقی باورها و برداشت‌های مشابهی دارند. سقط جنین

کاتولیک‌های رومی و پروتستان‌ها دیدگاه‌های مشابهی در مورد سقط جنین دارند. البته همیشه یکسان نیستند. آنها همیشه دقیقاً در یک جبهه نیستند.

اما آنها دیدگاه‌های مشابهی در مورد سقط جنین دارند. و این همان وحدت‌گرایی در سنگرهاست. رد پورنوگرافی، رد تجارت جنسی، قاچاق انسان و غیره.

کاتولیک‌های رومی، پروتستان‌ها و البته ارتدکس‌ها نیز در مورد این نوع مسائل، دیدگاه‌ها و ارزش‌های اخلاقی بسیار مشابهی دارند. بنابراین، وحدت‌گرایی در سنگرها، موضوع شماره سه خواهد بود. آنها تغییرات تاریخی داشته‌اند.

مورد چهارم اینجا به جورایی جالبه. و به جنبشه. من هنوز در موردش مرددم.

من هنوز همه چیز را کشف نکرده‌ام. اما مورد چهارم این است که بسیاری از انجیلی‌ها در حال تغییر مذهب به کاتولیک رومی و ارتدکس شرقی هستند. چرا انجیلی‌هایی که در کلیساهای انجیلی بزرگ شده‌اند، به این مذهب روی می‌آورند؟ چه چیزی باعث این تغییر در زندگی آنها و این تغییر مذهب شده است؟ یکی از فارغ‌التحصیلان و اساتید خودمان که در نوتردام تدریس می‌کند، کریستین اسمیت، به تازگی کاتولیک رومی شده است.

خب، این یک تغییر جالب در زندگی اوست. منظورم این است که او در نوتردام استخدام نشد. او به عنوان یک پروتستان در نوتردام استخدام شد، اما او تازه کاتولیک رومی شد.

بنابراین، او سفر زیارتی جالبی داشته است. احساس من این است که بسیاری از انجیلی‌ها جذب سنت کلیسای کاتولیک روم یا کلیسای ارتدکس شرقی می‌شوند. آنها جذب تجربه عبادت کلیسای کاتولیک روم یا کلیسای ارتدکس شرقی می‌شوند.

بنابراین سنت کلیسا، سنت دیرینه، این حس که کلیسا به آن ۲۰۰۰ سال تاریخ کلیسا مرتبط است که همیشه در کلیساهای پروتستان وجود ندارد، و همچنین حس نوعی نمایش عبادت که در کلیسای کاتولیک رومی یا

کلیسای ارتدکس شرقی وجود دارد که همیشه در کلیساهای پروتستان وجود ندارد، احساس من این است که این چیزی است که آنها را به کاتولیک رومی و ارتدکس شرقی جذب می‌کند. اما اینجا اتفاق مهمی در حال رخ دادن است، شکی در آن نیست. بنابراین، تقریباً هر سه سال، من یک سمینار ارشد در ارتدکس پروتستان-کاتولیک و مسیحیت تطبیقی تدریس می‌کنم.

و ما چند گردش علمی هم می‌رویم. یکی از گردش‌های علمی که می‌رویم، بازدید از یک کلیسای ارتدکس یونانی است. و چه غافلگیری‌ای! ما وارد کلیسا شدیم و با بسیاری از اعضای سابق گوردون، فارغ‌التحصیلان کالج گوردون، که ارتدکس شده بودند و به آن کلیسا می‌رفتند، آشنا شدیم.

و من متوجه این موضوع نبودم. نمی‌دانستم که افراد زیادی مرتبط با گوردون به کلیسای ارتدکس شرقی می‌روند. و بنابراین، من همیشه از آنها می‌پرسم، داستان شما اینجا چیست؟ چرا از انجیل‌گرایی به ارتدکس شرقی روی آوردید؟ اما داستان جالبی است.

بنابراین، مطمئناً، در دنیای غرب، افرادی هستند که به کاتولیک ارتدکس شرقی روی می‌آورند. و انجیلی‌هایی هم هستند که این کار را انجام می‌دهند. حالا در آمریکای جنوبی، داستان کمی متفاوت است.

چون در آمریکای جنوبی، برعکس است. بسیاری از کاتولیک‌های رومی، به معنای واقعی کلمه، صدها هزار نفر، به مسیحیت انجیلی روی می‌آورند، و به ویژه به پنطیکاستی روی می‌آورند. بنابراین، در نیمکره جنوبی، دقیقاً برعکس عمل می‌کند.

سوال این است که چه چیزی آنها را به انجیل‌گرایی و پنطیکاستی جذب می‌کند؟ بدیهی است که برخی از آنها در آمریکای جنوبی نوعی سرزندگی روح، حرکت خدا را در این کلیساهای پنطیکاستی یا سایر کلیساهای پروتستان می‌بینند که در کلیساهای سنتی خود نمی‌دیدند. اما بدون شک، این پسر، حرکتی هم بین انجیل‌گرایی و کاتولیک رومی و تا حدودی هم ارتدکس‌های شرقی وجود دارد. بنابراین اکنون، طبیعت از نظر تاریخی در حال تغییر است.

فقط می‌خواهم به ماهیت گفتگوها و سپس توافقات یا اختلاف نظرهای مداوم اشاره کنم، اما ماهیت گفتگو جالب است که کاتولیک‌های رومی باب گفتگو را با انواع گروه‌ها باز کرده‌اند. از ماهیت گفتگوهای کاتولیک‌های رومی شگفت‌زده خواهید شد.

خب، برای مثال، تعجب نمی‌کنید که کاتولیک‌ها و انگلیکان‌ها با هم در گفتگو هستند، چون انگلیکان‌ها اشتراکات زیادی با کاتولیک رومی دارند. و برخی از انگلیکان‌ها هستند که تقریباً کاتولیک رومی هستند. ما در مورد جنبش آکسفورد صحبت کردیم، بنابراین شما از آن مطلع هستید.

و البته امروزه یک جنبش آکسفورد وجود دارد. بنابراین، شما از این موضوع تعجب نمی‌کنید. اما چیزی که ممکن است شما را متعجب کند این است که کاتولیک‌های رومی و لوتری‌ها با یکدیگر در گفتگو هستند، که یک پدیده تاریخی بسیار جالب است زیرا مارتین لوتر از کلیسای کاتولیک رومی تکفیر شد.

او چیزهایی در مورد کلیسای کاتولیک رومی گفت که همیشه تعریف و تمجید نبودند. اما کاتولیک‌های رومی و لوتری‌ها در حال گفتگو هستند که جالب است. در واقع، یکی از سوالاتی که دیشب از جیم رودین پرسیده شد در مورد جامعه یهودیان در گفتگو با لوتری‌ها بود که جالب است زیرا لوتر نیز حرف‌های تندی در مورد جامعه یهودیان زده بود.

خب، فکر کردم این چیز جالبی است. و می‌توانید انواع گروه‌ها را نام ببرید. با این حال، یک چیز دیگر که می‌خواهم به آن اشاره کنم و ممکن است برایتان تعجب‌آور باشد این است که کاتولیک‌های رومی و ادونتیست‌های روز هفتم بحث طولانی با یکدیگر داشته‌اند.

و فکر نمی‌کنید که آنها اشتراکات زیادی داشته باشند. ادونتیست‌های روز هفتم یک فرقه پروتستان نسبتاً قوی و رو به رشد هستند. اکنون حدود ۲۵ میلیون نفر از آنها در سراسر جهان وجود دارند.

بنابراین، آنها اکنون یک فرقه نسبتاً قوی هستند. اما فکر نمی‌کنید که آنها اشتراکات زیادی داشته باشند. اما حتی ادونتیست‌های روز هفتم و کاتولیک‌های رومی نیز در حال گفتگو هستند.

بنابراین، ماهیت گفتگوها از نظر وسعت گفتگوها بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌های رومی جالب است. همه چیز از انگلیکان‌ها، که فکر می‌کنید، بله، درست به نظر می‌رسد. اما بعد به لوتری‌ها می‌رسیم.

و بعد حتی به ادونتیست‌های روز هفتم می‌رسیم که در حال گفتگو هستند. خب، توافق‌ها و اختلاف نظرهای و اجازه دهید به آنها اشاره کنم. من اینجا چهار یا پنج مورد دارم که همچنان ادامه دارند. D مداوم شماره

فکر می‌کنم می‌توان گفت اینها مکالمات ادامه‌دار هستند. این تقریباً مثل آن شب پنجشنبه است. این تقریباً مثل صحبت کردن جیم رودین به عنوان یک یهودی و مارو ویلسون به عنوان یک انجیلی با هم است.

آنها می‌توانند روی برخی موارد توافق کنند. اما همانطور که مارو گفت، مواردی وجود دارد که در آنها به بن‌بست رسیده‌ایم. و بحث همچنان ادامه دارد.

خب، این در مورد پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها هم صادق است. پس، بگذارید پنج مورد را ذکر کنم. شماره یک، البته، مریم مقدس است.

من در این دوره گفته‌ام. هنوز هم می‌گویم که کاتولیک‌ها بیش از حد به مریم پرداخته‌اند. پروتستان‌ها بیش از حد به مریم کم‌توجهی کرده‌اند.

فکر می‌کنم ما از ترس دیدگاه کاتولیک‌های رومی نسبت به مریم، از موعظه و تعلیم درباره او خودداری کردیم. اما در کلیسای پروتستان هم خیلی کم به مریم پرداخته‌ایم. او مادر خداوند ماست.

و متون عالی در کتاب مقدس در مورد مریم و غیره وجود دارد. این شماره یک است. شماره دو مسئله اقتدار است.

و آن مسئله‌ی مرجعیت این است که برای پروتستان‌ها، کتاب مقدس کلام معتبر است. برای کاتولیک‌ها، کتاب مقدس و سنت. این تغییر نخواهد کرد.

ممکن است زیاد در موردش بحث شود، اما قرار نیست تغییر کند. خب، مورد سوم ساختار کلیسا است. کلیسای کاتولیک رومی ادعا می‌کند که کلیسا به این شکل ساختار یافته است، زیرا ساختار کلیسای اولیه این‌طور بوده و پطرس اولین پاپ بوده است.

پروتستان‌ها این حرف را باور نمی‌کنند. پروتستان‌ها می‌گویند شما نمی‌توانید هیچ ساختار کلیسای خاصی را از عهد جدید اثبات کنید. و البته، پروتستان‌ها مقام پاپی را به شیوه‌ای که کلیسای کاتولیک رومی می‌پذیرد، قبول ندارند.

بنابراین، شماره سه، شماره چهار چیزی است که من آن را اعمال اساسی می‌نامم. اعمال اساسی کلیسای کاتولیک رومی و یا کلیسای پروتستان.

بنابراین، رویه اساسی در کلیسای کاتولیک رومی، تجرد کشیش است. حال، ما در این دوره دیده‌ایم که چگونه به کشیش‌های انگلیکان اجازه می‌دهند کشیش کاتولیک رومی شوند. آنها همسر و خانواده خود را دارند و غیره.

بنابراین، در اینجا اختلاف نظر وجود دارد. اما مطمئناً، تجرد روحانیون یک رویه اساسی خواهد بود که با آن نوعی اختلاف نظر وجود خواهد داشت. مطمئناً، کل موضوع انتصاب زنان به مقام روحانیت یک مسئله خواهد بود.

ما روز جمعه در گروه بحث خود درباره فمینیسم برآمده از کتاب دونالد دیتون صحبت کردیم. اما کل موضوع انتصاب زنان به مقام کشیشی بحث جالبی خواهد بود زیرا برخی از فرقه‌های پروتستان زنان را منصوب می‌کنند. برخی دیگر نه.

کلیسای کاتولیک رومی زنان را به مقام کشیشی منصوب نمی‌کند. بنابراین این یک رسم اساسی خواهد بود. در این صورت، بحث‌هایی در مورد آن وجود خواهد داشت.

شکی در این مورد نیست. اختلاف نهایی بر سر آیین‌های مقدس، بر سر تعداد آنها خواهد بود، زیرا اکثر پروتستان‌ها معتقدند که دو آیین مقدس وجود دارد. کلیسای کاتولیک رومی معتقد است که هفت آیین مقدس وجود دارد.

و همچنین در مورد ماهیت آیین‌های مقدس. ما قبلاً در مورد ماهیت آیین‌های مقدس از دوران اصلاحات صحبت کرده‌ایم. بنابراین، تعداد و ماهیت آیین‌های مقدس همیشه محل اختلاف خواهد بود، اگرچه همیشه می‌توان در مورد آن بحث کرد.

بنابراین، شکی در این مورد نیست. بسیار خوب، پس کلیسای کاتولیک رومی و پروتستان‌تیسیم و مباحثات. حالا اجازه دهید فقط یک دقیقه اینجا توقف کنم.

سپس، به مورد دوم خواهیم رفت، که سه رویکرد به سایر ادیان جهان است که فراتر از مسیحیت حرکت می‌کنند. اما آیا در مورد این نوع گفتگو بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها سؤال وجود دارد؟ و چرا انجیلی‌ها به این تعداد زیاد به کاتولیک رومی و ارتدکس شرقی روی می‌آورند؟ بله. آیا در مورد آن پنج مورد گفتید که همه آنها هستند؟ احتمالاً از جمله مارو که پنجشنبه شب هنگام صحبت با یهودیت استفاده کرد، استفاده می‌کنم.

برخی مسائل به بن‌بست رسیده‌اند. فکر می‌کنم همیشه در آنجا به بن‌بست خواهیم رسید. ممکن است به هم نزدیک‌تر شویم.

مطمئناً، وقتی با کاتولیک‌های رومی صحبت می‌کنم، از این مزیت برخوردارم که دکترای خود را از یک مؤسسه کاتولیک رومی در کالج بوستون گرفته‌ام. بنابراین، تعداد زیادی کاتولیک رومی در کالج بوستون وجود داشت. بسیاری از معلمان من کاتولیک رومی بودند.

بنابراین، برای مثال، در مورد مریم، می‌توانم با این جمله‌ام که شما بیش از حد به مریم پرداخته‌اید، اما ما خیلی کم به او پرداخته‌ایم، کمی به کاتولیک‌های رومی نزدیک‌تر شوم. ما واقعاً باید مریم را خیلی جدی‌تر از آنچه که

هستیم در نظر بگیریم. و احتمالاً مدت زیادی است که هیچ‌کدام از شما خطبه‌ای در مورد مریم نشنیده‌اید، مگر شاید این موقع از سال.

اما مسائل دیگری مثل مقام پاپ، منظوم این است که بله. بنابراین، فکر می‌کنم مسائلی وجود دارد که می‌توانید در آنها کمی به هم نزدیک‌تر شوید. در مورد مسائل دیگری مثل مقام پاپ، نمی‌دانم چطور می‌توانید

ما فقط موافق نیستیم که پطرس اولین نفر بوده است. بنابراین، حدس می‌زنم، به موضوع بستگی دارد. اما گفتگو، مانند گفتگو با یهودیان، به نظر من، گفتگو باید ادامه یابد، به هر حال، بین کاتولیک‌های رومی و پروتستان‌ها.

این موضوع برای کالج گوردون یک مسئله بوده است. سال‌هاست که این موضوع در بین اعضای هیئت علمی جالب بوده است که آیا یک کاتولیک رومی می‌تواند به عنوان استاد تمام وقت در کالج گوردون تدریس کند یا خیر. حال، کاتولیک‌های رومی می‌توانند به عنوان استادیار در اینجا تدریس کنند، یا می‌توانند به عنوان محقق مهمان یا هر چیز دیگری بیایند.

با این حال، آیا آنها می‌توانند به عنوان اساتید تمام وقت تدریس کنند؟ و پاسخ من به این سوال همیشه این بوده است که نه، آنها نمی‌توانند به عنوان اساتید تمام وقت تدریس کنند. دلیل این امر، بیانیه اعتقادی ماست که همه ما هر سال آن را امضا می‌کنیم و همه اعضای هیئت علمی هر سال هنگام امضای قراردادهایمان آن را امضا می‌کنند. بنابراین، اساتید تمام وقت باید قرارداد را امضا کنند.

و اولین اصل ایمان برای ما، مرجعیت کتاب مقدس است. بنابراین، من همیشه می‌گویم تنها یک کاتولیک رومی که می‌خواهید در کالج گوردون تدریس کند، یک کاتولیک رومی جدی است. شما نمی‌خواهید یک کاتولیک رومی که خیلی به این موضوع اعتقاد ندارد، به اینجا بیاید.

شما یک کاتولیک رومی جدی می‌خواهید. یک کاتولیک رومی جدی نمی‌تواند بیانیه اعتقادی ما را امضا کند زیرا یک کاتولیک رومی جدی می‌گوید، نه، دو منبع اقتدار وجود دارد. کتاب مقدس و سنت.

بنابراین، من واقعاً نمی‌توانم این بیانیه اعتقادی را امضا کنم زیرا شما کتاب مقدس را به عنوان تنها مرجع تأیید می‌کنید. بنابراین، بله. بنابراین، جالب است.

حدس می‌زنم بستگی به موضوع دارد. بسیار خوب، بیایید به سراغ رویکرد شماره دو، سه به ادیان جهانی برویم. فقط برای یک دقیقه این را به ادیان جهانی بسط دهیم.

این دوره در مورد ادیان جهانی نیست، اما باید در مورد آن فکر کنید زیرا در دنیای امروز، وقتی صحبت از الهیات می‌شود، ما در مورد ادیان جهانی صحبت می‌کنیم. بنابراین، من فقط به سه نکته اشاره می‌کنم. مورد اول انحصارگرایی است.

نوعی ایده انحصارگرایی مبنی بر اینکه فقط کسانی که انجیل را می‌شنوند و به آن پاسخ می‌دهند نجات خواهند یافت. بنابراین این رویکردی به ادیان جهانی، ادیان خارج از مسیحیت خواهد بود. این یک رویکرد به ادیان جهانی است، نوعی انحصارگرایی، مبنی بر اینکه فقط کسانی که انجیل را می‌شنوند و به آن پاسخ می‌دهند نجات خواهند یافت.

بنابراین این به رسمیت نمی‌شناسد که شاید روح خدا به روش‌های دیگری عمل کند و غیره. این شماره دو شمول‌گرایی است. شمول‌گرایی می‌گوید، اگرچه مسیحیت نمایانگر هنجار است، اما نمایانگر وحی هنجاری

خدا در مسیح برای نجات همه مردم است. شمول‌گرایی متوجه می‌شود و معتقد است که گاهی اوقات، افرادی هستند که انجیل را نمی‌شنوند.

آنها مژده را نمی‌شنوند. و این امکان وجود دارد که اگر به خدا ایمان بیاورند و مطابق نوری که خدا به واسطه فیض والای خود به آنها داده است، زندگی کنند، به رستگاری خواهند رسید. اما این بیشتر یک شمول‌گرایی است، اما نوعی درک این است که شاید خدا از طریق افرادی که هرگز انجیل را نشنیده‌اند، کار می‌کند.

شاید با این وجود، او هنوز به نوعی از طریق روح خود و از طریق فیض برتر در حال کار است. بنابراین این یک شمول‌گرایی است. این نوعی فاصله گرفتن از انحصارگرایی است، که تنها اگر درباره عیسی شنیده باشید و از گناه خود توبه کنید می‌توانید نجات یابید.

با این حال، شمول‌گرایی اذعان می‌کند که همه درباره عیسی چیزی نشنیده‌اند. بنابراین، راه سوم، کثرت‌گرایی است. راه سوم، کثرت‌گرایی است.

حالا، پلورالیسم می‌گوید که همه ادیان به یک اندازه معتبر هستند. پلورالیسم به نوعی دست کشیدن از مسیحیت است، و می‌گوید مسیحیت خوب است. این راهی به سوی خداست.

این راهی به سوی خداست. اما همه ادیان دیگر نیز راه‌هایی به سوی خدا هستند و همه آنها به یک اندازه معتبرند. بنابراین نباید سعی کنید یک دین را بر دین دیگر ترجیح دهید.

لازم نیست این کار را انجام دهید زیرا هر دینی شما را به هدف بودن با خدا می‌رساند. بنابراین جالب است. حالا، افرادی مانند پل تیلیچ.

ما قبلاً در این دوره به پل تیلیچ اشاره کرده‌ایم. پل تیلیچ، به عنوان یک متکلم مسیحی، در پایان الهیات خود به این نتیجه رسید. نتیجه او این بود که همه ادیان جهان به یک اندازه معتبر هستند.

بنابراین، او مسیحیت را به هیچ وجه منحصر به فرد نمی‌دید. بنابراین، سه راه برای رویکرد به ادیان جهان وجود دارد: انحصارگرا، شمول‌گرا و کثرت‌گرا. یک نفر هست که ما هستیم، و بگذارید فقط ببینیم.

چند تا اسم اینجا هست که فقط می‌خوام بهشون اشاره کنم. اوه، ببخشید. آره، اون فامیلی رو می‌بینی؟ به اسمش دقت کن، جان کاب.

او همچنین کتابی با عنوان مسیح در عصر کثرت‌گرایی نوشت. بنابراین، قرار بود در ذیل کثرت‌گرایی، آن را در بخش دیگری ذکر کنم، اما اشکالی ندارد. بیایید آن را ذیل کثرت‌گرایی، جان کاب، مسیح در عصر کثرت‌گرایی، قرار دهیم.

در یکی از دوره‌های دکترای من، سمیناری داشتیم در مورد اینکه عیسی کیست، مسیح کیست و غیره. ما مجبور بودیم کتاب جان کاب را بخوانیم. تز کتاب این است که روح مسیح در عیسی وجود داشت، اما نه بیشتر از روح مسیح در عیسی، شاید در گاندی، یا نه بیشتر از آنچه که در خدایان و الهه‌های هندو بود، یا نه بیشتر از روح مسیح در کنفوسیوس، یا در دین اسلام، در محمد.

شاید نباید از گاندی استفاده می‌کردم، چون او یک انسان بود. اما کنفوسیوس، یا محمد، یا خدایان و الهه‌های ادیان شرقی. بنابراین حالا او یک متکلم مسیحی است که این پیشنهاد را مطرح می‌کند.

بنابراین، شرکت در این کلاس آسان نبود. اما به هر حال، من واقعاً با این موضوع مخالف بودم که روح مسیح در عیسی وجود داشت، اما نه بیشتر از آنچه در دیگر رهبران سنت‌های مذهبی وجود داشت. اما این قطعاً موضع کاب است.

بنابراین، او کتاب را با عنوان مسیح در عصر کثرت‌گرایی نامگذاری کرد. در عصر کثرت‌گرایی، باید اجازه دهید که کثرت‌گرایی، مسیح را تعیین کند. بنابراین، من خودم به یک دیدگاه عجیب فکر می‌کنم و آماده‌ام که آن دیدگاه را نقد کنم.

اما به هر حال، سه رویکرد به ادیان جهانی وجود دارد که می‌خواهیم به آنها توجه کنیم. خب، حالا، اشاره کردم که اگر همه شما با من در صفحه ۱۵ هستید، من در صفحه ۱۵ برنامه درسی هستم. و من همیشه فکر می‌کنم اعتراف به گناهان خوب است، بنابراین من هم به گناهانم اعتراف می‌کنم.

رسیدم. بنابراین قصد نداشتم این کار را بکنم، اما کردم F. صرف نظر کردم و مستقیماً به E3، از E3 در برمی‌گردیم و این نتیجه‌ای است که به آن خواهیم رسید. و سپس، چند نکته‌ی پایانی خواهم E3 بنابراین به داشت که می‌خواهم بیان کنم.

ماهیت الهیات مسیحی امروز است. ما امروز در کجای الهیات مسیحی قرار داریم؟ چه چیزی در E3 و E3، الهیات مسیحی امروز در حال نفوذ است؟ آیا این منطقی است؟ حالا من به گناهانم اعتراف کرده‌ام، شما مرا را انجام می‌دهیم. من فقط نمی‌خواهم شما را E3 از گناهانم تبرئه می‌کنید، که چیز خوبی است، و ما اکنون گیج‌کنم، اما به نظر می‌رسد که این کار را کرده‌ام.

من چند یادداشت برای آن دارم. برای ادامه، برای چه، ماهیت الهیات مسیحی امروز؟ بسیار خب، بیابید بسیار خب، بسیار خب، ببینیم کجای کار هستیم. جنبش‌های الهیاتی می‌توانند به من بگویند که چه چیزی به دست آورده‌اید.

بود E2 فقط بگو چی داری. آره. باشه، درسته، باشه، منظورم

قرار دهم. منظورم این نبود E2 نوعی نقد روشنگری از الهیات مسیحی و غیره. منظورم این بود که آن را ذیل آوردم، نه؟ خب، خدای من E3 بیاورم. آیا آن را ذیل E3 که آن را ذیل

بسیار خب، بسیار خب، حالا باید به دو گناه اعتراف کنم. اول، گناه گیج کردن شما. و حالا گناه، به شماره سه. نرسیدیم، ماهیت الهیات مسیحی امروز

ماهیت الهیات مسیحی امروز، را مطرح نمی‌کنید؟ چرا این کار را نمی‌کنید؟ چون اینجا من در E4 پس چرا مورد محافظه‌کاری جدید صحبت می‌کنم، در مورد الهیات امید صحبت می‌کنم؛ در مورد الهیات رهایی‌بخش و کثرت‌گرایی و غیره صحبت می‌کنم. و ما این کار را نکرده‌ایم.

را انجام نمی‌دهید، که نوعی جنبش E4؟ خب، چرا E4، پس چرا این کار را نمی‌کنید؟ شما این کار را می‌کنید الهیاتی یا چیزی شبیه به آن است؟ قلب‌هایتان را متبرک کنید، و ما می‌توانیم این کار را انجام دهیم. بسیار چیزی است که من به آن می‌گویم. امروزه یک محافظه‌کاری E4 خب، شماره یک در E4، خب، بسیار خب جدید وجود دارد.

و به یک معنا، از نظر فرهنگ گسترده‌تر، در سال ۱۹۷۶ آغاز شد. و جیم رودین نیز در سخنرانی خود در شب دیگر به این موضوع اشاره کرد. این اتفاق در سال ۱۹۷۶ با انتخاب جیمی کارتر به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده آغاز شد، سال ۱۹۷۶ که سال انجیلی اعلام شد.

حالا، من و تد به یاد داریم که وقتی جیمی کارتر برای ریاست جمهوری ایالات متحده نامزد شد و در سال ۷۶ انتخاب شد، خودش را یک انجیلی نامید. و واقعاً، به نوعی، خنده‌دار بود که ببینیم برخی از این افراد رسانه‌ای سرشان را می‌خاراندند و می‌گویند، یک انجیلی، انجیلی چیست؟ خب، ما نمی‌دانیم. ما می‌خواهیم برویم و بفهمیم انجیلی چیست. و البته، آنها فهمیدند، اما معمولاً آن را خراب کردند.

بنابراین، آنها معمولاً کاملاً درست متوجه نمی‌شدند. اما از آن زمان، یک محافظه‌کاری جدید، قطعاً بخشی از فرهنگ عمومی، به وجود آمده است. بنابراین، از نظر کلیسا، محافظه‌کاری جدید حاصل پیوند دو چیزی بود. که جمعه گذشته در مورد آنها صحبت کردیم.

محافظه‌کاری جدید، درکی از این بود که موعظه انجیل و خدمت اجتماعی، همگی بخشی از انجیل هستند. محافظه‌کاری جدید، به یک معنا، به فیلی به عنوان الگوی خود، به عنوان نمونه خود در قرن نوزدهم بازگشت و گفت، ما در جدا کردن موعظه از خدمت اجتماعی، از مسائل عدالت اجتماعی اشتباه کرده‌ایم. ما دوباره این دو را به هم پیوند می‌دهیم.

کتاب دونالد دیتون با عنوان «کشف میراث انجیلی «فراخوانی برای همین است، اینطور نیست؟ یادتان هست که ما به تازگی اشاره کردیم. چون متن متی ۲۲ چه می‌گوید؟ خداوند، خدای خود را با تمام قلب ذهن و روح خود دوست بدار، و همسایه‌ات را مانند خودت دوست بدار. و بنابراین، محافظه‌کاری جدید واقعاً جنبشی بوده است که آن دو چیزی را که به یک معنا از هم جدا شده بودند، دوباره به هم پیوند داده است.

خب، این یک جنبش الهیاتی است که می‌خواهیم به آن اشاره کنیم، محافظه‌کاری جدید، باشه؟ جنبش می‌توانید این‌ها را جنبش‌های الهیاتی یا چیزی شبیه به آن بنامید. با این، E4، الهیاتی دوم، و همانطور که گفتم حال، جنبش الهیاتی دوم که برای من در آموزش حوزوی‌ام بسیار مهم بود، نوشته‌های یورگن مولتمان و کتابش، الهیات امید، الهیات امید بود. بنابراین الهیات‌های امید وجود داشته‌اند، اما ما از کتاب مولتمان، الهیات امید، به عنوان شاهد اصلی خود برای این موضوع استفاده خواهیم کرد.

خب، حالا کاری که دوست دارم انجام بدم اینه که از کتاب درسی شما بخونم چون کتاب درسی شما چند جمله خیلی خوب در این مورد داره. خب، من از کتاب مسیحیت پروتستان، صفحه ۳۱۲ می‌خونم. خب، اگه می‌خواید مرجعش رو یادداشت کنید، کتاب مسیحیت پروتستان، صفحه ۳۱۲.

و بگذارید آن را بخوانم، و بعد سریع به آن برمی‌گردم. اما نویسنده شما این را گفته است. این الهیات امید است، نقل قول، بازاندیشی کل الهیات از دیدگاه آخرت‌شناسی بود، نه به عنوان یک پایان، بلکه به عنوان امید، به عنوان آینده خدا، و در نتیجه آینده ما.

در این رویکرد، الهیات از منظر خلقتی که باید بازسازی شود، جهت‌گیری نشده است، بلکه مطابق با برخی از پدران کلیسا، به سوی خلقتی است که علی‌رغم سقوط، آینده‌ای فراتر از ویژگی بهشتی ادعایی اولیه‌اش دارد. از این رو، کل درام انسانی، گذشته و حال، در آینده‌ای تحقق نیافته گنجانده شده است که ما ریشه‌های اولیه آن را داریم. افق الهیات به وسعت تاریخ جهان و آینده آن است.

مسیحیت پروتستان، صفحه ۳۱۲. بنابراین، یورگن مولتمان واقعاً به نوعی به تغییر مسیر الهیات مسیحی کمک کرد. و این واقعاً برای آینده امیدوارکننده است.

بنابراین، به عبارت دیگر، الهیات مسیحی امروز عمدتاً نه درباره رستگاری عدن، نه لزوماً یک عدن جدید، بلکه درباره یک بهشت کاملاً جدید و یک زمین جدید صحبت می‌کند. پس الهیات به کجا می‌رود، و مسیحیان به کجا می‌روند؟ آنها به سمت این بهشت جدید و این زمین جدید، این نوع پادشاهی تحقق یافته، حرکت می‌کنند. بنابراین، الهیات‌های امید ظهور کردند، یورگن مولتمان نمونه‌ای از آن است.

بسیار خوب، شماره سه، الهیات رهایی‌بخش. و من فقط می‌خواهم سریع به این اشاره کنم چون به خاطر سوالاتی که پیش آمد، روز جمعه به هر سه مورد اشاره کردیم. اما اجازه دهید سه مثال از الهیات رهایی‌بخش برایتان بزنم.

شماره یک جیمز کون خواهد بود. او کتابی با عنوان «الهیات سیاه و قدرت سیاه» نوشته است. بنابراین جیمز کون در تلاش است تا الهیات را از دریچه آزادی برای جامعه سیاه‌پوستان تفسیر کند.

این موضوع در سخنرانی جیم رودین هم مطرح شد. وای، من باید در این سخنرانی حضور می‌داشتم، اما این موضوع هم با سخنرانی جیم رودین مطرح شد. و بعضی از ما توانستیم پنجشنبه شب با او شام بخوریم و سر شام در مورد این موضوع زیاد صحبت کردیم.

با این حال، جیمز کون در کتاب خود به این نکته برای سیاه‌پوستان اشاره می‌کند. برای سیاه‌پوستان، خروج از مصر تجربه‌ای بزرگ در عهد عتیق است و به تجربه آنها تبدیل شده است. بنابراین، خروج از بردگی به آزادی بنابراین، مضمون خروج از عهد عتیق، که توسط سیاه‌پوستان در این جهان اقتباس شده است، واقعاً آن الهیات امید را فراهم کرده است.

خب، به هر حال، جمعه از جیمز کون نام بردیم. جمعه از گوئی‌رز نام بردیم. الهیات رهایی‌بخش.

بنابراین الهیات رهایی‌بخش در آمریکای جنوبی آغاز شد، مراقبت از فقرا، و غیره، الهیات رهایی‌بخش. و سپس ما همچنین در روز جمعه اشاره کردیم، در واقع، ما به مری دالی و فراتر از خدا پدر اشاره کردیم، که الهیات فمینیستی است. حال، اجازه دهید الهیات فمینیستی را برای یک دقیقه توضیح دهم زیرا ما در روز جمعه در مورد آن صحبت کردیم، اما مری دالی یک متکلم فمینیست رادیکال بود.

وقتی او در کتابش می‌گوید «فراتر از خدای پدر»، در واقع درباره زبان کتاب مقدس و اینکه چگونه می‌توانیم زبان کتاب مقدس را برای زنان و همچنین مردان مناسب کنیم، صحبت می‌کند. اما این در مقایسه با آنچه فراتر از آن گفت، ملایم بود. زیرا سرانجام، مری دالی بسیار فراتر از ارتدکس مسیحی حرکت کرد.

بنابراین، او کلیسای مسیحی را کاملاً بی‌اهمیت می‌دانست و از ارتدکس مسیحی فراتر رفت و به نوعی عصر جدید، نوعی الهیات فمینیستی عصر جدید و دین عصر جدید روی آورد. منظورم این است که واقعاً عجیب بود. ما به داستان او اشاره کردیم و در مورد آن صحبت کردیم.

او از کالج بوستون اخراج شد. در نهایت، او نتوانست کرسی استادی بگیرد و از کالج بوستون اخراج شد. بنابراین، این الهیات رهایی‌بخش است.

خب، سه تا از آنها وجود دارد، مثلاً الهیات سیاه‌پوستان، الهیات رهایی‌بخش و الهیات فمینیستی، درست است؟ بگذارید فقط اشاره کنم که قبلاً گفتیم گروه بعدی که داریم، کثرت‌گرایی و رابطه مسیحیت با سایر

ادیان است و آن کتاب جان کاب خواهد بود. بنابراین ما قبلاً در مورد آن صحبت کرده‌ایم، اما مطمئناً، در الهیات مسیحی، کثرت‌گرایی وجود دارد. و آنچه در مورد کثرت‌گرایی در کتاب جان کاب گفتیم، به این بخش مربوط می‌شود، باشه؟ و بخش آخر، و سپس می‌خواهم چند انتقاد را اینجا مطرح کنم، اما بخش آخر از نظر حرکت به سمت آینده، انجیل‌گرایی است.

انجیل‌گرایی در مورد آینده حرفی برای گفتن دارد و شکی در این مورد نیست. بنابراین انجیل‌گرایی، و برای این من اشاره کردم، آیا اشاره کردم؟ نه، من کتاب انجیل‌گرایی و آینده مسیحیت نوشته آلستر مک‌گراث را ذکر کرده‌ام. بنابراین، آلستر مک‌گراث، عنوان بسیار جالبی دارد، انجیل‌گرایی و آینده مسیحیت

از آنجا که آلستر مک‌گراث به عنوان یک معلم انجیلی در آکسفورد، انجیل‌گرایی را امید بزرگ کلیسا و امید بزرگ آینده کلیسا در زمینه کنار آمدن با دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، می‌داند. بنابراین، این گروه‌بندی بعدی من در مورد جهت حرکت الهیات امروز خواهد بود. بسیار خوب، با توجه به همه این موارد، اجازه دهید انتقاداتی را به همه این الهیات‌ها مطرح کنم.

بنابراین، و شاید تا حدودی شامل الهیات انجیلی هم بشود، اما ما محافظه‌کاری جدید، الهیات امید، الهیات رهایی‌بخش، کثرت‌گرایی، انجیل‌گرایی را داریم، چه انتقاداتی وجود دارد؟ خب، خب، فکر می‌کنم اولین انتقاد من این است که یکی از اساتید من در پرینستون این را باشگاه الهیات ماه، باشگاه الهیات ماه می‌نامید. و شاید تا حدودی حق با او بود، و شاید ما در عصر باشگاه الهیات ماه زندگی می‌کنیم. شاید ما فقط در عصری زندگی می‌کنیم که الهیات فقط از یک چیز فرهنگی به چیز فرهنگی دیگر در حال حرکت است.

و این چیزی است که ما دریافت می‌کنیم، باشگاه الهیات ماه، که به این معنی است که ما یک الهیات خوب و پایدار از کلیسای اولیه قرن بیست و یکم دریافت نمی‌کنیم. بنابراین فکر می‌کنم این چیزی است که باید مراقب آن باشیم، مطمئن شویم که الهیاتی که در مورد آن صحبت می‌کنیم فقط بخشی از باشگاه الهیات ماه نباشد. بنابراین نکته دوم که به نظر من به عنوان یک انتقاد مهم است این است که بسیاری از الهیاتی که در مورد آنها صحبت کرده‌ایم مبتنی بر کتاب مقدس هستند.

آنها با یک مبنای کتاب مقدسی بسیار روشن، یک دلیل کتاب مقدسی شروع کردند. آنها واقعاً یک نوع بینش کتاب مقدسی خوب برای کاری که انجام می‌دادند، داشتند. اما بسیاری از آنها از آن بینش فاصله گرفتند.

و این به یک معنا، حتی در مورد مولتمان هم صادق است، کسی که در الهیات امید خود شروع به فاصله گرفتن از این نوع چیزها کرد. او شروع به فاصله گرفتن از دیدن کتاب مقدس به عنوان وحی منحصر به فرد خدا کرد. بنابراین این انتقادی است که من دارم.

فکر می‌کنم باید مراقب این موضوع باشیم. شما باید بر اساس کتاب مقدس شروع کنید و به پایان برسائید. اما، بسیاری از این الهیات‌ها ممکن است بر اساس کتاب مقدس شروع شوند اما سپس از آن فاصله بگیرند. بنابراین.

بسیار خوب، انتقاد سوم من این است که بسیاری از این الهیات‌ها نیز بر پایه مسیح‌شناسی آغاز می‌شوند. بسیاری از این الهیات‌ها واقعاً تلاش کردند تا مسیح‌شناسی را درک کنند و آن را به وضوح به عنوان چارچوبی برای الهیات درک کنند، اما از آن فاصله گرفتند. حال، وقتی به نوشته‌های اولیه جان کاب در مقایسه با نوشته‌های بعدی او نگاه می‌کنید، خواهید دید که این همان اتفاقی است که برای جان کاب افتاده است.

در نوشته‌های اولیه‌اش، او ریشه در مسیح‌شناسی دارد. در نوشته‌های بعدی‌اش، روح مسیح را می‌توان در عیسی یافت، اما نه بیشتر از آنچه در کنفوسیوس یافت می‌شود. بنابراین، اینجا یک سرایشی لغزنده وجود دارد، نوعی دور شدن از ریشه در مسیح‌شناسی.

بسیار خوب، انتقاد بعدی من این است که برخی از این جنبش‌ها آشکارا ضد مسیحی هستند. و مری دالی نمونه کاملی از این موضوع است، به طوری که در زندگی خودش به چه سرنوشتی دچار شد. او دیگر به یک بحث‌کننده وفادار در مسیحیت تبدیل نشد، بلکه الهیات او کاملاً ضد مسیحی شد.

واقعاً می‌خواهیم کلیسا را محو کنیم، و از کلیسا بیرون برویم، بنابراین. خب، اینها نوعی انتقادهایی هستند که من به این موضوع دارم، اما این وضعیتی است که ما در آن هستیم، وضعیت باشگاه الهیات ماه، و این جایی است که ما هستیم. خب، این فقط نتیجه‌گیری دوره، سخنرانی ۱۴ است.

می‌خواهم چند نکته‌ی پایانی بگویم. و قبل از آن، آیا نکته‌ای در مورد آن مباحث الهیاتی که الان در موردشان صحبت کردیم وجود دارد؟ مطمئن می‌شوم دفعه‌ی بعد که این دوره را تدریس می‌کنم، مثل شما بچه‌ها، از صرف‌نظر نکنم. و شما را گیج نکنم، مطمئن می‌شوم که دیگر این کار را نکنم E بخش سوم.

خب، سوالی در این مورد داری؟ باشه، چیزی که می‌خوام بگم، آره، الکس؟ آره، باشگاه الهیات ماه، استاد پرینستون من. تقریباً مثل اینه که باشگاه الهیات ماه تقریباً به جورایی فرهنگ داره. و برای اینکه با فرهنگ همگام باشیم، باید به الهیات جدید اعلام کنیم.

بنابراین ما باید یک الهیات فمینیستی داشته باشیم زیرا فرهنگ در حال فمینیستی شدن است. ما باید یک الهیات کثرت‌گرا داشته باشیم زیرا فرهنگ در حال کثرت‌گرا شدن است. بنابراین ما باید الهیاتی داشته باشیم که با آن کثرت‌گرایی صحبت کند.

بنابراین خطر این است که فرهنگ همیشه یک هدف متحرک خواهد بود. و اگر الهیات همیشه سعی در تعقیب آن هدف داشته باشد، شما همیشه در حال اختراع یک الهیات جدید برای پاسخگویی به فرهنگ خواهید بود. بنابراین، بله، انتقاد او از این موضوع همین بود.

اگر قرار است الهیات معنایی داشته باشد، واقعاً باید به خوبی در کتاب مقدس، که کلمه‌ای جاودانه برای همه زمان‌ها و همه فرهنگ‌ها است، جای گرفته باشد. آیا این منطقی است؟ این انتقاد او از آن بود. خب، نتیجه‌گیری دوره.

چند نکته‌ی پایانی دارم که می‌خواهم مطرح کنم. و بعد، برای افرادی که به ما ملحق شدند، در ده دقیقه‌ی آخر گفتیم که اگر می‌خواهید در این بحث شرکت کنید، فقط می‌خواهم بدانم که زندگی فرقه‌ای خودتان چگونه بوده است. اما لازم نیست شرکت کنید، و می‌توانید بگویید که قبول شدم.

خب، می‌خواهم چند نکته‌ی پایانی بگویم. اول اینکه، اگر می‌خواهید فراتر از این دوره، به طور جدی به توسعه‌ی الهیات نگاه کنید، می‌خواهم شما را تشویق کنم. فکر می‌کنم روش ما برای افراد، ایده‌ها و رویدادها مفید است. اگر واقعاً می‌خواهید الهیات را بررسی و مطالعه کنید، این سه سوالی است که همیشه باید از خود بپرسید.

این افراد چه کسانی هستند، ایده‌هایشان چیست و چه رویدادهای بزرگی این ایده‌ها را شکل داده‌اند؟ این واقعاً مهم است. بنابراین، اگر به الهیات علاقه دارید، من این موارد را در نظر دارم. این نکته‌ی اول است.

دوم، می‌خواهم فقط به برخی از افرادی که در این دوره درباره‌شان صحبت کردیم اشاره کنم؛ به طور کلی افرادی که در این دوره درباره‌شان صحبت کردیم، افرادی بودند که حس روحانی و معنوی بسیار خوبی داشتند. آن‌ها افرادی بودند که می‌خواستند به خاطر افرادی که پشت نیمکت‌های کلیسا بودند، الهیات را انجام دهند. آن‌ها نمی‌خواستند الهیات را فقط به عنوان یک تمرین دانشگاهی انجام دهند.

این چیزی نیست که کالوین یا لوتر یا شلایرماخر یا بارت یا نیبور به دنبالش بودند. آن‌ها به دنبال این نبودند. آن‌ها به الهیات شبانی می‌پرداختند، البته به وسلی هم فکر می‌کنم. آن‌ها به الهیات شبانی می‌پرداختند.

حالا، متأسفم که باید بگویم که این موضوع امروز تغییر کرده است. امروزه، بسیاری از مردم الهیات را فقط به عنوان یک فعالیت آکادمیک انجام می‌دهند. این موضوع برای آنها معنای زیادی ندارد، و برای افرادی که پشت تریبون هستند هم معنایی ندارد.

و من و تد همین الان در جلسات آکادمی دین آمریکا در بالتیمور بودیم، و اینجا جایی است که شما آن را می‌بینید، خیلی واضح. بسیاری از مردم امروزه الهیات را فقط به عنوان یک تمرین دانشگاهی انجام می‌دهند. آن‌ها اصلاً به شخصی که روی نیمکت نشسته علاقه‌ای ندارند.

و این به نظرم یک خطر واقعی است. خب، این شماره دو است، پس. شماره سه این است که دوست دارم همیشه این کار را بکنید. کاری که ما در این دوره سعی می‌کنیم انجام دهیم این است که یک دیدگاه کلی از اصلاحات تا به امروز به شما ارائه دهیم.

منظورم این است که خوب است که یک دوره آموزشی فقط در مورد اصلاحات مذهبی، یا یک دوره آموزشی فقط در مورد قرن هجدهم، یا یک دوره آموزشی فقط در مورد قرن نوزدهم ارائه دهیم. اما ما دوست داریم که شما نگاهی جامع به الهیات داشته باشید، و این کاری است که ما سعی کرده‌ایم در این دوره انجام دهیم، و من فکر می‌کنم این مهم است. نکته چهارم این است که مرکز الهیات، مسیح است.

شما همیشه باید این کار را بکنید. با این حال، شما در حال توسعه الهیات خود هستید، همیشه باید از نظر مسیح‌شناسی توسعه یابد. بنابراین، آن سوال بونهوفر، مسیح امروز برای ما کیست؟ این یک سوال مهم است. اما اگر الهیات شما، همانطور که در حال توسعه الهیات خود هستید، اگر به طور مداوم به سوال مسیح‌شناسی و اینکه عیسی کیست، برنگردید، خطر انحراف الهیات شما وجود دارد.

مثل این می‌ماند که زمین ما از خورشید دور شود، می‌دانید؟ این کار خطری دارد، اینطور نیست؟ پس همیشه الهیات خود را از نظر مسیح‌شناسی تفسیر کنید. مورد بعدی، دو مورد دیگر است، اما مورد ماقبل آخر این است. حالا، امیدوارم از این دوره، تکنیک‌هایی را یاد گرفته باشید که بتوانید الهیات خودتان را تدوین کنید.

بنابراین، شما باید به طور کامل فکر کنید که الهیات خودتان چیست. همه چیز در مورد چیست؟ اما این چیزی است که من چندین بار در این دوره گفته‌ام، حداقل فکر می‌کنم که گفته‌ام، اگر نه، باید می‌گفتم. اما مسیحیت یک دین بسیار شخصی است، اما هرگز یک دین خصوصی نیست. شما فقط می‌توانید الهیات خودتان را در چارچوب کلیسا، در جامعه مؤمنان، تدوین کنید.

شما نمی‌توانید، این تنها شما و کتاب مقدس شما نیستید که الهیات خود را تدوین می‌کنید. این شما و کتاب مقدس شما هستید که به مسائل فکر می‌کنید، اما سپس آنچه را که فکر کرده‌اید به بدن مسیح، به کلیسا، به جامعه مؤمنان می‌آورید. بنابراین این کاری است که شما انجام می‌دهید.

امیدوارم و دعا می‌کنم که شما الهیات را در چارچوب یک جامعه تدوین کنید. این یک تمرین انفرادی نیست. من این را گفتم؛ ما این را وقتی در مورد کالوین صحبت می‌کردیم گفتیم، اما مردم دیدگاه اشتباهی در مورد کالوین دارند.

مردم با کالوین طوری رفتار می‌کنند که انگار او یک تکاور تنها در الهیات بوده و فقط الهیات خودش را انجام داده است. این درست نیست. کالوین هر سه‌شنبه با کشیشان اصلاح‌شده ملاقات می‌کرد تا در مورد الهیاتی که قرار بود یکشنبه‌ها موعظه کنند، بحث کند.

اما کالوین می‌خواست مطمئن شود که او و دیگران دیدگاه مشترکی نسبت به متون مقدس دارند. بنابراین، شما را تشویق می‌کنم که این کار را انجام دهید. و در نهایت، به عنوان آخرین نکته پایانی، بیایید از کالوین یا بارت یا شلایرماخر به یاد داشته باشیم که الهیات باید در هر نسلی از نو تفسیر شود.

شما نمی‌توانید فقط از گذشته به ارث ببرید و بگویید، حالا همه چیز روشن شده است. بنابراین، در هر نسلی الهیات باید دوباره فهمیده و تفسیر شود، و شما باید در هر نسلی خود را دوباره به آن الهیات متعهد کنید. بنابراین، انجام این کار مهم است.

و ما از افرادی که این کار را انجام داده‌اند، مانند کالوین یا شلایرماخر یا راشنبوش یا بارت یا افرادی که در موردشان صحبت کردیم، سپاسگزاریم. ما از آنها سپاسگزاریم زیرا این کاری است که آنها انجام داده‌اند. آنها سعی کرده‌اند الهیات را برای زمان خود دوباره درک کنند.

این دکتر راجر گرین در دوره تاریخ کلیسا، اصلاحات تا به امروز است. این جلسه ۲۷ در مورد الهیات مدرن است.